



رمزگشایی نقوش تزئینی ظرف سفالی عصر سامانی محفوظ در موزه هنر شیکاگو

رسول جلیلی^۱ 

۱. مربی، گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران، r.jalili@art.ac.ir

چکیده

نیشابور در عصر سامانیان یکی از مراکز بزرگ صنعت سفالگری محسوب می‌شد. تولیدات این منطقه در قرون سوم و چهارم از نظر تزئینات متنوع روی سفال دارای اهمیت می‌باشند. پژوهش حاضر در صدد بررسی و مطالعه تزئینات یک سفال نادر منقوش دوره سامانی از نیشابور است که هم اکنون در مؤسسه هنر شیکاگو نگهداری می‌شود. این پژوهش از نظر ماهیت کیفی است. داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند و تحلیل آن‌ها به شیوه توصیفی و تحلیلی می‌باشد. بر این اساس، ابتدا توصیف ویژگی‌های صوری تصاویر صورت گرفت و سپس با اتخاذ رویکرد شمایل‌شناسانه و با هدف آشکارسازی مضمون اصلی سفالینه منقوش موردنظر، به مطالعه برخی از بارزترین ویژگی‌های فرهنگی عصر سامانیان پرداخته شد. نتایج حاکی از آن است که پهنه سفال مورد پژوهش به نمایش زوجی در حال اجرای موسیقی و شعرخوانی اختصاص پیدا کرده است. اشعار بزمی در عصر سامانیان میان مردم عادی رواج داشت و مضمون اصلی نقوش این سفالینه الهام گرفته از پدیده‌ای اجتماعی و مردم پسند در عصر خود می‌باشد. در آن عصر شاعران بزمی و خنیاگران با تلفیق شعر و موسیقی به میدان‌داری و مجلس‌گردانی در میان مردم مشغول بوده‌اند. از طرفی با توجه به رونق تجارت سفال در عصر سامانیان، انتخاب موضوعات عامه پسند جهت فروش سفالینه‌های تولیدشده می‌توانست در اقبال سفارش‌دهندگان و مخاطبان به این محصولات، تأثیر به‌سزایی داشته باشد. در نهایت می‌توان استنباط کرد که برخی جنبه‌ها و گرایش‌های فرهنگی جامعه آن روزگار در انتخاب مضامین سفالینه‌های منقوش نیشابور در عصر سامانیان دخیل بوده است.

اهداف پژوهش:

۱. معرفی و بررسی تزئینات یک سفال نادر منقوش دوره سامانی از منطقه نیشابور.
 ۲. تبیین مضمون نقوش ظرف مذکور و جایگاه آن در انعکاس محیط فرهنگی عصر سامانی با کاربردی روش شمایل‌شناسی
- سؤالات پژوهش:**
۱. ویژگی‌های صوری و مضمونی تزئینات سفال مذکور چیست؟
 ۲. جایگاه نقوش این سفال در انعکاس گوشه‌هایی از محیط فرهنگی مردمان عصر سامانی چگونه است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۰

دوره ۲۰

صفحه ۱۴۷ الی ۱۶۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

هنر سامانیان، نیشابور، سفالینه منقوش، شمایل‌شناسی.

ارجاع به این مقاله

جلیلی، رسول. (۱۴۰۲). رمزگشایی نقوش تزئینی ظرف سفالی عصر سامانی محفوظ در موزه هنر شیکاگو. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۰)، ۱۶۰-۱۴۷.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.50.178](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.50.178)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.339708.1946

مقدمه

انسان‌های نخستین به نیت ذخیره و نگهداری مواد غذایی و آب، اولین آثار هنری را با دست از ترکیب خاک رس و آب به وجود آوردند. این احجام سفالین اولیه به مرور زمان همراه با تکامل تمدن انسان دچار دگرگونی و تحول به لحاظ تکنیک ساخت، لعاب، نقوش تزئینی و شیوه کاربرد شدند و تا زمانی که به دست ما رسیدند مسیری به درازای تاریخ را طی کرده‌اند. ورود اسلام به فلات ایران باعث رونق هرچه بیشتر این هنر در سرزمین ایران شد. در قرون سوم و چهارم هجری هنر سفالگری خصوصاً در شهر نیشابور رواج بسیاری داشت. آثار سفالین کشف شده از نیشابور نشان‌دهنده اوج تکنیک این هنر در این شهر می‌باشد. تکنیک و مضمون نقوش تزئینی این سفال‌ها بسیار قابل تأمل هستند و نشان می‌دهد که با وجود تأثیر هنر چین، همچنان در روند تکامل هنر ایرانی از هنر ساسانی پیروی می‌کنند. این مطلب در تطبیق نقوش آثار هنری دو تمدن به وضوح قابل شناسایی و رؤیت می‌باشد. نقوش تزئینی سفالینه‌ها همواره در دوره‌های مختلف متأثر از فرهنگ و اعتقادات حاکم در آن دوره بوده است و جهت شناسایی و ارتباط با این نقوش می‌بایست در بستر جامعه و اعتقادات مردم آن زمان مورد مطالعه قرار گیرند. هنر سفالگری نیشابور در سده سوم و چهارم، علاوه بر تنوع در تکنیک‌های ساخت، دارای تنوع بیشماری در تزئینات روی سفال می‌باشد و می‌توان آن‌ها را به لحاظ تزئین در سه گونه (۱- دارای نقوش تصویری؛ ۲- کتیبه‌دار؛ ۳- ترکیبی) مورد بررسی قرار داد. این پژوهش درصدد رمزگشایی نقوش تزئینی یکی از سفال‌های منحصر به فرد دوره سامانی در نیشابور است که اکنون در مؤسسه هنر شیکاگو نگهداری می‌شود. (تصویر شماره ۱) به همین جهت با استفاده از رویکرد شمایل‌شناسی خصوصاً نظریات اروین پانوفسکی به خوانش و مطالعه نقوش تزئینی سفال مورد نظر با هدف بررسی نقوش و همچنین تبیین مضمون و جایگاه احتمالی آن در انعکاس محیط فرهنگی عصر سامانی خواهیم پرداخت. لذا جهت تحقق این موارد سعی بر این است تا به سؤالات ذیل پاسخ داده شود؛ ویژگی‌های صوری تزئینات سفال مذکور چیست؟ مضمون اصلی تزئینات سفال مورد نظر این پژوهش کدام است؟ جایگاه نقوش این سفال در انعکاس گوشه‌هایی از محیط فرهنگی مردمان عصر سامانی چگونه است؟

این سفال حاوی نقوش بسیار نادری است که عدم مطالعه و بررسی آن از جانب محققان داخلی و خارجی، لزوم این پژوهش را مهیا کرد. در روند پژوهش ابتدا به توصیف و شناسایی نقوش تزئینی مذکور پرداخته می‌شود. در گام‌های بعدی مضمون اصلی مستتر در این تزئینات در لابه‌لای صفحاتی از تاریخ فرهنگی سامانیان واکاوی می‌شود. در نهایت سعی می‌شود تا با استفاده از رویکرد شمایل‌شناسی از ارتباط میان محتوای پنهان تصویر با لایه‌هایی از واقعیت‌های فرهنگی عصر سامانی پرده برداری شود. این پژوهش از نوع کیفی محسوب می‌گردد و روش گردآوری داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی میدانی از طریق مشاهده عینی است و تحلیل داده‌ها به شیوه توصیفی تحلیلی می‌باشد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که پژوهش‌های قابل تأملی در حوزه سفال و نقشینه‌های سفال ایرانی صورت گرفته است و تعدادی از آن‌ها که به حوزه این پژوهش ارتباط بیشتری داشتند به شرح ذیل مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند. همپارتیان و همکاران (۱۳۸۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی

سفالینه‌های نیشابور (قرون چهارم و پنجم هجری قمری) "، به شناسایی و دسته‌بندی نقوش تزئینی سفالینه‌های نیشابور پرداخته و تحلیل و بررسی نقش‌مایه‌ها، ترکیب‌بندی و شیوه‌های اجرای نقوش سفالینه‌های فوق را در بستر سیاست، مذهب و تحولات اجتماعی زمان پیدایش آن‌ها مورد مطالعه قرار داده‌اند. چنگیز و رضالو (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی نمادین نقوش جانوری سفال نیشابور (قرون سوم و چهارم هجری قمری)" به مطالعه و بررسی نقوش تزئینی جانوری بر روی سفالینه‌های نیشابور پرداخته و ضمن تحلیل ساختاری هر نقش، مفهوم نمادین و همچنین تأثیرپذیری مستقیم آن‌ها از نقوش ماقبل اسلام را بررسی و تشریح کرده‌اند. عطایی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خویش با عنوان "سفال منقوش گلابه‌ای (انواع، گستردگی، تاریخ گذاری)"، به بررسی و مطالعه نوعی خاص از سفال با عنوان گلابه‌ای در دوره سامانیان پرداخته و به جهت تزئینات، ساختار و تکنیک ساخت به گونه‌شناسی آن خصوصاً در حوزه نیشابور پرداخته‌اند. قوی‌پنجه (۱۳۹۴) در مقاله خویش با عنوان "بررسی مفاهیم نقوش ظروف سیمین دوره ساسانی و تأثیر آن بر سفال دوره سامانی"، به مطالعه نقوش تزئینی سفالینه‌های سامانی و نیشابور پرداخته و تأثیر آن را از نقوش تزئینی آثار فلزی دوره ساسانی بررسی کرده‌اند. میرزایی و مرادخانی (۱۳۹۸) در مقاله خویش با عنوان "بازتاب مهرپرستی در نقوش سفال‌های نیشابور در دوره سامانیان"، به مطالعه و بررسی تزئینات سفال نیشابور پرداخته و ریشه آن‌ها را در ایران باستان به‌خصوص آئین مهرپرستی جستجو کرده‌اند. عسکری و همکاران (۱۳۹۹) در رساله دکتری با عنوان "باورهای آخرالزمانی در سفالینه‌های منقوش نیشابور"، به مضمون شناسی آثار سفالین نیشابور پرداخته و مضمون آخرالزمان را در این آثار مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند. باید اظهار داشت که در قیاس با مطالعات فوق، مقاله پیش رو برای اولین بار است که به معرفی ظرف موردنظر به‌عنوان یکی از آثار بارز دوره سامانیان نظر می‌پردازد. همچنین از لحاظ روش‌شناسی و متعاقباً نتایج پژوهش، تفاوت آشکاری با پیشینه‌های ذکر شده دارد.

۱. شمایل‌نگاری

آیکونوگرافی (شمایل‌نگاری) به عنوان یک روش مطالعاتی در تاریخ هنر، توسط گروهی از محققان که با مؤسسه واربورگ آلمان در ارتباط بودند به پیشگامی "اروین پانوفسکی" مطرح شد (رک. ادامز، ۱۳۹۴، و نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۵۵). این روش به مضمون یا معنای آثار هنری در تقابل با فرم آن می‌پردازد و محتوا را در کانون توجه قرار می‌دهد (پانوفسکی، ۱۳۹۵: ۳۵). شمایل‌نگاری به تحقیق درباره موضوعات تجسمی، تحول آن‌ها، سنت‌ها و محتوایی که در خلال سده‌های مختلف انتقال یافته‌اند می‌پردازد و در مقام یکی از حوزه‌های مطالعاتی تاریخ هنر درصدد پاسخگویی به این پرسش رایج است که؛ موضوع یا محتوای این اثر هنری چیست؟ (نصری، ۱۳۹۲: ۸-۹)

پانوفسکی سه سطح از خوانش شمایل‌نگارانه آثار هنری را از هم مجزا می‌سازد. سطح اول توصیف موضوع اولیه یا طبیعی اثر است که از آن به‌عنوان "پیش‌شمایل‌نگارانه" یاد می‌شود و طی آن پژوهشگر به توصیف اثر بر مبنای صورت‌های محسوس موجود در آن، با تکیه بر تجربه عملی خود می‌پردازد. سطح دوم در حیطة عرف و سنت است و در آن از طریق فهم قراردادهای معنایی فرهنگی که اثر در آن شکل

گرفته به خوانش اثر پرداخته می‌شود. پژوهشگر از طریق مطالعه سمبل‌ها و تمثیل‌هایی که هنرمند به صورت عامدانه و با آگاهی در اثر به کار برده تلاش می‌کند به معنای قراردادی یا ثانویه مستتر در آن دست یابد (ادامز، ۱۳۸۴: ۵۱-۵۲؛ نصری، ۱۳۹۲: ۱۳). در سطح سوم جهت کشف معنای ذاتی و درونی نگاره به سبک فرهنگی غالب، مقتضیات مکانی و زمانی که اثر در آن ساخته شده، حامی و سفارش‌دهنده و مواردی از این قبیل توجه می‌شود. در این مرحله داده‌های متنوعی که از منابع گوناگون به هم آمیخته شده، به طریقی منسجم جهت بازسازی معنا و محتوا درونی نگاره به کار گرفته خواهد شد (رک. ادامز، ۱۳۹۴، ۵۲). به این ترتیب تحلیل شمایل‌نگارانه، گام به گام به شناسایی و تفکیک سه لایه معنایی اولیه، ثانویه و محتوایی می‌پردازد و با هدف دریافت پیام‌های پنهان در ورای عناصر ملموس اثر هنری به تحلیل و کشف زوایای ناشناخته باورها، اعتقادات و جهان‌بینی در عناصر تصویری مبادرت می‌ورزد و پژوهشگر در بخشی از مسیر تحقیقات خود به سمت شناسایی منابع مؤثر در خلق اثر و تأثیرگذار بر هنرمند هدایت می‌شود. بعدها و در سال ۱۹۷۲ م ارنست گامبریچ، یکی دیگر از محققان مؤسسه واربورگ رویکرد "شمایل‌شناسی" (آیکونولوژی) که در طی آن صحنه‌های مختلف هنری و فرهنگی اثر، با بازسازی یک برنامه کامل پوشش مطالعاتی داده می‌شود را معرفی کرد (همان، ۱۳۹۴: ۵۲).

۲. بافت فرهنگی - تاریخی نیشابور در دوره‌ی سامانیان

سلسله سامانی نام خود را از سامان خده (دهکده‌ای در منطقه بلخ) گرفت. خاندان ایرانی سامانیان، نخست والیان دست‌نشانده طاهریان (۲۰۵-۲۶۱ ق) بودند و سپس امیران مستقل شدند و از سال ۲۰۴ تا ۳۹۵ ق در خراسان و ماوراءالنهر یا خراسان بزرگ، حکومت کردند. تاریخ ظهور و افول دولت سامانیان را باید در فاصله زمانی ۲۸۷ الی ۳۸۹ هجری قمری دانست. بنابراین طول دوره حکمرانی سامانیان از آغاز استقلال و تشکیل دولت تا زمان انقراض، بیش از ۱۰۲ سال است و در برخی ادوار، علاوه بر خراسان و ماوراءالنهر، بر ولایات دیگر از جمله سیستان، کرمان، گرگان، طبرستان و ری تا حدود اصفهان سلطه داشته‌اند (ناجی، ۱۳۸۰: ۹).

توسعه کشاورزی و صنعت به همراه گسترش جوامع شهری در آن دوران باعث گسترش مبادلات تجاری در داخل و خارج مرزهای امپراتوری سامانیان شده بود. مسیرهای تجاری فعال و پر رفت و آمدی از این سرزمین می‌گذشت؛ راه ابریشم که از شمال چین آغاز می‌شد، از شهرهای بزرگ و مهم سامانیان چون سمرقند، بخارا، مرو و نیشابور عبور می‌کرد و به سمت بغداد می‌رفت. شناخت کانی و فن استخراج معادن در دوران سامانیان رشد بسیار یافته بود و نقش زیادی در رونق اقتصادی دولت سامانیان داشت و وفور منابع کانی در خراسان و استخراج آن‌ها، مواد لازم را برای فعالیت کارگاه‌های صنعتی و ظهور صنعتگران ورزیده و هنرمند فراهم می‌ساخت (Asimov, ۱۹۹۹: ۸۲-۸۴). صناعی چون نساجی، شیشه‌گری، فلزکاری، کاغذسازی و سفالگری از صنایع رایج دوران سامانیان بوده است اما کامل‌ترین نمونه‌های هنر

سامانیان را می‌توان در سفالگری آن جست‌وجو کرد. سامانیان ضمن گسترش فرهنگ و سنت قدیم ایران، به فرهنگ اسلام علاقه نشان دادند و مخالفت با اسلام را لازمهٔ احیای فرهنگ باستانی ایران ندانستند. در آن روزگار فرقه‌ها و نحله‌های گوناگون دینی و فکری وجود داشت و در واقع، دوام، اقتدار و محبوبیت دولت سامانی، مرهون سیاست نرمش و تسامحی بود که در برابر آن‌ها در پیش گرفت. این امر از یک سو، نماینده سعهٔ صدر دستگاه سامانی و از سوی دیگر، حاکی از غنای فکری جامعه اسلامی برای مواجهه با آرا و عقاید مخالف است (ناجی، ۱۳۸۰: ۷۱).

۳. سفال نیشابور

آثار معروف به سفال نیشابور سرآغاز دوران طلایی سفالگری ایران پس از اسلام است و نمایانگر تعامل میان مؤلفه‌های هنر ایرانی با شاخصه‌های فرهنگ اسلامی در آن دوران می‌باشد و از این نظر اهمیت زیادی دارند. سفال نیشابور در قرون سوم و چهارم هجری آیینۀ تمام‌نمای هنر ایران در سده‌های ابتدایی ورود اسلام محسوب می‌گردد و بیانگر رشد اقتصادی و فرهنگی نیشابور و تجارت پر رونق سفال در دورهٔ سامانیان است. این آثار از حیث تنوع و تعدد نمونه‌های باقی مانده، بر دیگر آثار سفالین برتری یافته و تا به امروز نگاه دقیق و موشکافانه‌ی هنر دوستان و پژوهشگران را متوجه خود ساخته است. ابداع شیوهٔ سفال گلابه‌ای در این دوره زمینه را برای خلق طیف وسیعی از نقوش تزئینی، از جمله نقوش هندسی و گیاهی، نقوش کتیبه‌ای و نقوش پیکره‌ای جانوران و انسان، فراهم می‌آورد و از جهت ارتباط میان تکنیک و محتوا قابل توجه می‌باشد.

سفالینه‌های نیشابور طی قرون سوم و چهارم هجری قمری از معروف‌ترین نمونه‌های سفالینه ایران است. دلیل معروفیت این ظروف، تنها روش به‌کار رفته برای ساخت آن‌ها نیست، بلکه نقوش و خطوط تزئینی این ظروف است که جلوه‌ای منحصربه‌فرد از لحاظ طراحی و فرم در شکل سفال ایجاد کرده و ضمن هماهنگی با شکل (ریخت) سفال، پیام‌هایی به مخاطب (مصرف‌کننده) منتقل می‌کند که ارتباط مستقیمی با دنیای معنوی و ذهن خیال‌انگیز شرقی دارد. ترکیب‌بندی ساده و در عین حال منحصربه‌فرد از جمله ویژگی‌های ممتاز این آثار است. به طور کلی تزئینات و نقوش سفال نیشابور را متأثر از سه شیوهٔ ساسانی، عراق عصر عباسیان، و هنر سفال‌گری چین می‌دانند (رک. کریمی و کیانی، ۱۳۶۴، ۲۴ و فرای، ۱۳۶۳، ۱۹۸-۱۹۹).



تصویر ۲. اجرای خطی نقوش روی سفال نیشابور، منبع: نگارنده



تصویر ۱. سفال نیشابور، منبع: مؤسسه هنر شیكاگو (URL)



تصویر ۴. اجرا خطی تصویر انسان روی سفال نیشابور همراه با ویرایش، بخشی از اثر، منبع: نگارنده

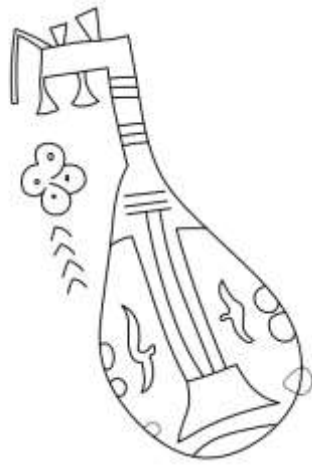


تصویر ۳. نقش انسان روی سفال نیشابور، بخشی از اثر، منبع: مؤسسه هنر شیكاگو (URL)

۴. بشقاب منقوش سفالین نیشابور

ظرف موردنظر این پژوهش که در مؤسسه هنری شیكاگو نگهداری می‌شود (تصویر ۱ و ۲)، بشقابی سفالی و تزئین شده به کمک نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی، اشیاء و کتیبه نوشتاری می‌باشد (جدول شماره ۱). تصویر یک زن و مرد در مرکز بشقاب نشسته نقش بسته است (تصویر ۲ و ۳). سازی شبیه دوتار امروزی در دست راست زن قرار دارد؛ درحالی‌که وی با دست چپ‌اش جامی به‌دست گرفته و نگاه‌اش به‌سوی مرد چرخیده است. مرد جلوتر از زن نشسته و گویا با دست راست قصد اشاره کردن به زن را دارد. در سمت راست زن، سازی شبیه عود ترسیم شده و در ردیف پایین‌تر سازی دیگری شبیه سنتور، دو جفت پاپوش، و یک شانه دیده می‌شود. پایین‌تر از ساز سنتور مانند، یک ماهی دیده می‌شود و

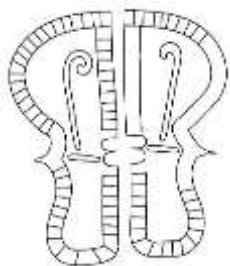
زیر بازوی چپ مرد کتیبه "نوش کن" نقش بسته است. کنار زانوی چپ مرد و همچنین در فاصله بین سر مرد و زن دو تصویر از مرغ دیده می‌شود.



تصویر ۶. اجرای تصویر ساز موسیقی روی سفال نیشابور، منبع: نگارنده



تصویر ۵. نقش ساز موسیقی روی سفال نیشابور، بخشی از اثر همراه با ویرایش، منبع: موسسه هنر شیکاگو (URL)



تصویر ۸. اجرای نوعی ساز موسیقی روی سفال نیشابور، منبع: نگارنده



تصویر ۷. نقش نوعی ساز موسیقی روی سفال نیشابور، بخشی از اثر، منبع: موسسه هنر شیکاگو (URL)



تصویر ۱۰. اجرای تصویر مرغ روی سفال نیشابور، منبع: نگارنده

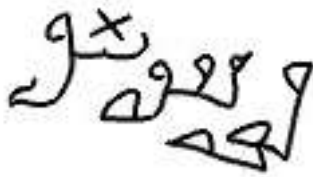


تصویر ۹. نقش دو نوع مرغ روی سفال نیشابور، بخشی از اثر، ویرایش شده، منبع: موسسه هنر شیکاگو (URL)





تصویر ۱۱. نقش دو نوع پاپوش روی سفال نیشابور، بخشی از اثر، ویرایش شده، منبع: موسسه هنر شیکاگو (URL)



تصویر ۱۳. اجرای نقش کتیبه "نوش کن" روی سفال نیشابور، منبع:
نگارنده

تصویر ۱۲. نقش کتیبه "نوش کن" روی سفال نیشابور، بخشی از
اثر، ویرایش شده، منبع: موسسه هنر شیکاگو (URL)

در زمینه بشقاب فضای خالی بین عناصر تصویر و همچنین جامگان شخصیت‌های انسانی با نقوشی تجریدی ساده هندسی پر شده است که استمرار سنت تزئینی بودن تصویرگری ایرانی را نشان می‌دهد. برخلاف ساختار برخی از آثار این دوره که ترکیب‌بندی‌های ساده اما سازمان‌یافته از لحاظ ساختارهای هندسی را دارند، در آثاری مانند این ظرف تمایلی به نمایش فضای خالی دیده نمی‌شود و با اثری پر نقش و نگار با تعدد عناصر ریز و درشت مواجه هستیم.

۵. تحلیل و تفسیر آیکونوگرافی اثر

به نظر می‌رسد که در مواجهه با نقوش این ظرف با روایت، حکایت یا داستانی خاصی سروکار نداشته باشیم. در نگاه اول شخصیت‌های انسانی و سپس آلات موسیقی در کانون توجه می‌توانند قرار بگیرند. شخصیت‌پردازی انسانی، فاقد نشانگان ویژه‌ای است که بتوان آن‌ها را به صاحبان قدرت و یا مردان عرصه رزم نسبت داد. آرایه‌های لباس و جامگان هر دو نفر به گونه‌ای متفاوت و البته معنادار انتخاب شده‌اند. جامه‌ای که بر تن دارند شباهت زیادی به آنچه که ما امروزه لباس فرم می‌نامیم، پیدا کرده‌اند. گرچه بافت بصری به هم فشرده‌تر تزئینات لباس مرد باعث شده جسمانیت سنگین‌تری به نسبت بافتار روشن‌تر لباس زن به خود بگیرد، ولی هر دو شخصیت از لحاظ جثه و ابعاد بدنی مشخصه‌های افراد چالاک و ورزیده را به ذهن متبادر می‌سازند. با وجود چند نوع از آلات موسیقی در صحنه هیچ شکی باقی نمی‌ماند که ما با یک گروه دو نفره خنیاگر-بازیگر مواجه هستیم. در روزگار گذشته این قبیل پیشه‌ها به اجراهای موسیقایی (شعرخوانی و نواختن ساز و نقل داستان‌های منظوم) مشغول بودند. احتمالاً همان گونه که در










تصویر مذکور استنباط می‌شود با صحنه‌آرایی و یا همراهی مواردی چون مرغان خوش‌الحان و خوش پر و بال، مجالس و اجراهای خود را مهیج‌تر می‌کردند.

گرچه موضوع اکثر تزئینات آثار هنری دربارهای قبل از اسلام و بعد از اسلام همانا نشان‌دادن صحنه‌هایی با محوریت کردار شاهانه همچون؛ شکار و صفوف بار شاهی می‌باشد اما تصاویری از مجالس بزمی هم در میان تولیدات درباری وجود داشته است. ولی مضامین غیر رسمی و نزدیک‌تر به فرهنگ عامه مردم در میان اجتماع خارج از دربار انتخاب منطقی برای پیشه‌وران و صنف نقش‌اندازانی بود که جهت فروش تولیدات خود، سلاقی مشتریان کوچه و بازار را به‌خوبی دریافته بودند.

هنرمند- پیشه‌وران جوامع سنتی عموماً از بن‌مایه‌هایی الهام می‌گرفتند که هم به‌راحتی توسط مخاطب باز شناسایی شود و هم در اجرا، و سازگاری با کارماده بیش‌ترین قابلیت‌ها را داشته باشند؛ زیرا پیش‌تر اشاره شد کارگاه‌های پرتعداد سفال، شاهی بر تجاری‌سازی این محصول در جغرافیا و زمان مورد بحث ما دارد. از طرفی علی‌رغم کمبود مدارک و اسناد تصویری که خصوصاً در زمینه نگارگری نسخ خطی تا قبل از قرون ۶ و ۷ ق وجود دارد، بحث گردش و راهیابی نقش‌مایه‌ها از واسطه‌های مختلف (از جمله سفال، ظروف فلزی، منسوجات، نسخ خطی) به‌عنوان یک راهکار مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (رک. پاکباز، ۱۳۸۰: ۵۳).

جدول ۱

ردیف	عناصر تصویری	تعداد	تنوع	تصویر
۱	انسان	۲	یک زن یک مرد	
۲	حیوان	۳	دو پرنده یک ماهی	
۳	ساز موسیقی	۳	یک دوتار یک عود یک سنتور مانند	

						
			دو قدح یک شانه یک جفت پوتین زنانه	۷	اشیاء	۴
			یک جفت پوتین مردانه			
			نقوش گل و گیاه		گل و گیاه	۵
			نوش کن	۱	کتیبه	۶

در ادامه بحث مربوط به منابع الهام این چنین موضوعاتی، باید اشاره شود که خوشبختانه در همگامی ادبیات و نقاشی در هنر ایرانی پژوهش‌های قابل توجهی به انجام رسیده است. ادبیات و مضامین ادبی پشتیبان‌های متداول تصویرگران محسوب می‌شوند. در این دوره بر اثر علاقه و توجه دربار سامانی به شعر و فرهنگ، شعر فارسی توسعه و رواج یافت. شاعران از سمت دربار تشویق و تکریم می‌شدند و گاهی به آن‌ها صله‌های گران داده می‌شد. از شاعران معرف دوره سامانی می‌توان به رودکی، شهید بلخی، دقیقی و کسائی اشاره کرد. اگرچه شعر این دوره با دربار پیوستگی تنگاتنگ داشت اما میان مردم خارج از دربار نیز جایگاه قابل توجهی به خود اختصاص داده بود از جمله اینکه در شعر رودکی و

معاصرانش زبان عرف مردم کاربست پیدا می‌کند و در "لغت الفرس" اسدی طوسی شرح واژه‌های متداول عامیانه بیان می‌شود. در همین دوران بود که منظوم نمودن داستان‌های عاشقانه در کنار شاهنامه‌ها، خوتای نامک و کلیله و دمنه شروع شد (رک. هادی‌زاده، ۱۳۷۷). برخی شاعران عشق، لابلالی‌گری و می‌گساری را دست‌مایه سرایش چکامه‌های آهنگین می‌کردند و در مجالس با نوای موسیقی همراه می‌ساختند (رک. صفا، ۱۳۶۹: ۱/ ۳۶۳ و ۲۳۹). به گونه‌ای که می‌توان در طراحی و تزئین سفال منقوش مورد پژوهش نیز تأثیر اشعار شاعران آن زمان را دید. به‌عنوان مثال گزارش‌هایی در باره اجراهای رودکی در مقام نوازنده چنگ و خواننده برای امیر سامانی وجود دارد (پارشاطر، ۱۳۹۳: ۵۳).

اصطلاح "نوش کن" و یا کلماتی مشابه آن، همچنین جملات قصار، ضرب‌الامثل‌ها و مواردی با مضامین مذهبی و یا بزمی بر روی سفالینه‌های نیشابور نقش بسته‌اند. رقم زدن نوشته‌های مطلوبی نظیر "سعادت، سلامت، ثروت، قدرت برای صاحب آن" و یا کلمه تکرار کلمه "برکت" از مصادیق این رویکرد در آثار نیشابور می‌باشد. البته غالب این نوشته‌های کوتاه به زبان عربی می‌باشد (رک. ویلکینسون، ۱۳۷۹: ۱۳۸-۱۳۷). نمونه مطالعاتی این پژوهش از جمله معدود آثار در دسترس محسوب می‌شود که نوشته آن به زبان فارسی است. در نگاهی اجمالی به‌خصوص به ابیات بزمی شاعران عصر سامانی مواردی از مشابهت میان برخی واژه‌های مورد استفاده دیده خواهد شد. جهت نمونه در شعری از رودکی ابیاتی با درون‌مایه کتیبه نوشته شده روی این سفال، گنجانیده شده:

بر هبک نهاده جام باده/ وان گاه ز هبک نوش کردش

با ارجاع به مقام عالی خنیاگران در ایران عهد باستان و در نظر گرفتن رابطه نزدیک شعر و موسیقی، این قشر بخش قابل توجهی از آنچه که امروزه ادبیات شفاهی نامیده می‌شود را به ادوار اسلامی فرهنگ ایران انتقال دادند (رک. کریستین سن، ۳۴۵: ۱۳۸۵-۳۴۹). در این رابطه وجود اصطلاح قدیمی‌تر "گوسان" نشان دهنده این مطلب است که آنان نماینده سنتی بودند در آن علاوه بر خواننده، نوازنده نیز بودند و سروده‌های خویش را بر شعر دیگران می‌افزودند. بعدها و با پیداشدن "شاعر" در مقام عامل جدیدی در صحنه ادبیات فارسی باعث قطع پیشه آن‌ها نشده بود (پارشاطر، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۳).

نتیجه‌گیری

باتوجه به کمبود مستندات به‌جامانده از برخی ادوار کهن، تصاویر مصور راه پیدا کرده به اشیائی مانند سفالینه‌های منقوش، به‌عنوان منابع منحصر به فردی از تاریخ اجتماعی مردمان گذشته محسوب می‌شوند. بر این اساس کنکاش در واسطه‌هایی که تاحدی دور از ذهن هستند؛ از جمله تصاویر ظروف سفالی، رابطه میان هنر و واقعیت‌های مادی را قابل پیگیری خواهد کرد. اگرچه این اشیاء میانجی‌های متعارفی برای انتقال موضوعات واقع‌گرایانه به‌شمار نمی‌آیند، اما ظرفیت این را داشته‌اند تا با خلاقیت هنرمند به قلمرویی برای همراهی مضامین مورد پسند و پرترفدار در عصر خود تبدیل شوند. نقش‌پرداز سفالینه

مورد بحث با شیوه‌ای خط‌پردازانه توانسته در فضایی تزئینی، عناصر مختلف و پرتعدادی اعم از نقوش گیاهی، انسانی، جانوری، اشیاء، نوشتار و نقوش تجریدی را به‌گونه‌ای چشم‌نواز و مطلوب به‌کار بگیرد، که این امر نشان از مهارت و تسلط وی بر سامان دادن کلیت تصویر دارد. باتوجه‌به مضمون‌شناسی و رمز‌گشایی نقوش و تزئینات سفال مذکور و تحلیل‌های انجام شده در روند پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مضمون اصلی نقوش تزئینی این سفالینه در وهله نخست الهام گرفته از پدیده‌ای اجتماعی و مردم‌پسند در عصر خود می‌باشد. پهنه سفال به نمایش زوجی در حال اجرای موسیقی و شعرخوانی اختصاص پیدا کرده است. در اهمیت این موضوع باید اشاره شود که در طول سده‌ها قبل و بعد از اسلام علاوه‌بر شاعران بزمی، خنیاگران نیز با تلفیق شعر و موسیقی به میدان‌داری و مجلس‌گردانی در میان مردم مشغول بوده‌اند. اشعار بزمی و خمربیات در عصر سامانیان میان حامیان درباری و مردم عادی رواج داشته و این فضای فرهنگی، رقم‌زدن اصطلاحاتی مانند "نوش کن" را توجیه پذیر می‌سازد. از طرفی موقعیت ویژه سرزمین تحت حاکمیت امیران سامانی باعث رونق تجارت سفال در آن عصر گشته بود، لذا انتخاب موضوعات عامه‌پسند جهت فروش سفالینه‌های پرتعداد تولید شده در مراکزی چون نیشابور، می‌توانست در اقبال سفارش‌دهندگان و مخاطبان به این تصاویر تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

فهرست منابع و مآخذ:

کتابها

ادامز، لاری اشنايدر. (۱۳۹۴). درآمدی بر روش‌شناسی‌های هنر، مترجم: شهريار وقفي‌پور، تهران: مینوی خرد.

پاکباز، رویین. (۱۳۸۰). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: زرین و سیمین.

پانوفسکی، اروین. (۱۳۹۵). شمایل‌نگاری و شمایل‌شناسی: درآمدی بر مطالعه هنر رنسانس. معنا در هنرهای تجسمی مترجم: ندا اخوان اقدام، تهران: نشر چشمه.

صفا، ذبیح‌ا... (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: فردوس، مجید.

فرای، ریچارد. (۱۳۶۳). عصر زرین فرهنگ ایران، مترجم: مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.

کریستین‌سن، آرتور. (۱۳۸۵). ایران در زمان ساسانیان، مترجم: رشید یاسمی، چاپ چهارم، تهران: صدای معاصر.

کریمی، فاطمه و کیانی، محمدیوسف. (۱۳۶۴). هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.

ناجی، محمدرضا. (۱۳۸۰). سامانیان: دوره‌ی شکوفایی فرهنگ ایرانی - اسلامی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

هادی‌زاده، رسول. (۱۳۷۷). رودکی و دوره نو زبان فارسی، در سامانیان و احیای تمدن فارسی تاجیکی، دوشنبه: نشر فرهنگ نیاکان.

ویلکینسون، چارلز ک. (۱۳۸۵). رنگ و طرح در سفالینه‌ی ایرانی، در: اوج‌های درخشان هنر ایران، ریچارد اتینگهاوزن، احسان یارشاطر، مترجم: هرمز عبداللهی و رویین پاکباز، تهران: نشر آگاه.

یارشاطر، احسان. (۱۳۹۳). تاریخ ادبیات فارسی، مترجم: مجدالدین کیوانی، تهران: سخن.

مقالات

چنگیز، سحر و رضالو، رضا. (۱۳۹۰). "ارزیابی نمادین نقوش جانوری سفال نیشابور (قرون سوم و چهارم هجری قمری)"، فصلنامه هنرهای زیبا، دوره ۴، شماره ۴۷، ۴۴-۳۳.

خلف، حسن و حسینی، محمدباقر. (۱۳۹۳). "نقد و بررسی مضامین خمريات عربی شعرای خراسان در قرن چهارم و پنجم هجری"، فصلنامه علمی ادب عرب، دوره ۶، شماره ۲، ۱۳۲-۱۰۹.

عطایی، مرتضی؛ موسوی حاجی، سیدرسول و کولابادی، راحله. (۱۳۹۱) "سفال منقوش گلابه‌ای (انواع، گستردگی، تاریخ‌گذاری)"، فصلنامه علمی نگره، دوره ۷، شماره ۲۳، ۸۸-۷۱.

قوی‌پنجه، زهرا. (۱۳۹۴). "بررسی مفاهیم نقوش ظروف سیمین دوره ساسانی و تأثیر آن برسفال دوره سامانی"، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، مالزی.

موسوی، احمد و قلی پور، فرزانه. (۱۳۹۰). "بررسی وضع زبان و ادب فارسی در سه قرن نخست هجری (طاهریان، صفاریان، سامانیان)"، فصلنامه علمی پژوهش در تاریخ، دوره ۲، شماره ۴، ۴۴-۲۹.
میرزایی، بنفشه و مرادخانی، علی. (۱۳۹۸). "بازتاب مهرپرستی در نقوش سفال‌های نیشابور در دوره سامانیان"، فصلنامه علمی رهپویه هنر، دوره جدید، شماره ۲، ۵۷-۴۷.
نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). "پیشینه‌شناسی تحلیلی آیکونوگرافی از سزار ریپا تا امیل مال". نقدنامه هنر، شماره ۱، ۶۵-۵۰.
نصری، امیر. (۱۳۹۲). "خوانش تصویر از دیدگاه اروین پانوفسکی"، فصلنامه کیمیای هنر، شماره ۶، ۲۰-۷.

پایان نامه‌ها

عسکری الموتی، حجت‌اله و همکاران. (۱۳۹۹). باورهای آخرالزمانی در سفالینه‌های منقوش نیشابور، رساله دکتری پژوهش هنر، دانشگاه شاهد، دانشکده هنر.

همپارتیان، تیرداد و شایسته‌فر، مهناز و خزایی، محمد. (۱۳۸۲). نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی سفالینه‌های نیشابور (قرون چهارم و پنجم هجری قمری)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

منابع لاتین

Asimov, M.S. (۱۹۹۹). History of Civilization in Central Asia. Motilal Banarsidass Pub.

https://archive.artic.edu/plotnick/selected_۰۹.html

URL ۱: https://archive.artic.edu/plotnick/selected_۰۹.html